

آموزش عالی ایران و محیط‌زیست پایدار از نگاه آگاهان کلیدی*

صادق جهانبخش گنجه^۱، فاطمه جوهری^۲، صادق صالحی^۳

(تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۳/۱۳، تاریخ تأیید: ۱۴۰۱/۱۱/۰۴)

چکیده

در ایران مانند سایر جوامع همراهی با فرایند جهانی‌شدن و همچنین روند توسعه کشور، ضریب بهره‌گیری از طبیعت و احتمال آسیب رساندن به آن را شدت بخشیده است. انتظار می‌رود نهاد تعلیم و تربیت و به‌ویژه آموزش عالی در راستای فرهنگ‌سازی برای استفاده بهینه از طبیعت و تحقق محیط‌زیست سالم و پایدار فعالیت کند. به این دلیل متن حاضر بر این هدف متمرکز است که نشان دهد آموزش عالی ایران چگونه به مقوله محیط‌زیست پرداخته است. این مطالعه از حیث نظری بر آراء جان هانیگن و از جهت اسلوب تحقیق بر روش تحلیل مضمون استوار است. مشارکت‌کنندگان در پژوهش شامل ده تن از مدیران وزارت علوم، تحقیقات و فناوری و همچنین کارگزاران سازمان حفاظت از محیط‌زیست هستند که به‌صورت نمونه‌گیری نظری و هدفمند انتخاب شدند و مورد مصاحبه عمیق قرار گرفتند. در وهله اول پاسخگویان به این واقعیت اشاره داشتند که اگر الگوی هانیگن مبنای دآوری باشد وزارت علوم، تحقیقات و فناوری در مورد پایداری محیط‌زیست فعالیت خاصی انجام نداده است. در مرحله دوم در پاسخ به این پرسش که وزارت علوم، تحقیقات و فناوری در این زمینه اساساً چه نوع فعالیتی می‌تواند انجام دهد نکته و نظرهایی پیشنهاد شد. داده‌ها با استفاده از نرم‌افزار مک کیودا تجزیه و تحلیل شد. در وهله اول از یافته‌های به‌دست‌آمده ۹۹ کد استخراج شد، سپس با طبقه‌بندی کدها ۱۳ مقوله شامل مداخله برنامه‌ریزی‌شده حاکمیت، توجه به اصل پیوستگی فرهنگی، آمایش سرزمینی، آگاهی‌بخشی و آموزش عمومی، گفتمان‌سازی در دانشگاه‌ها، تقویت تشکل‌های مدنی، اولویت بخشیدن به پژوهش درباره محیط‌زیست پایدار، تدوین برنامه‌های آموزشی محیط‌زیست‌محور، تقویت همکاری بین بخشی در راستای محیط‌زیست پایدار، بهره‌گیری از نقش متخصصان، ظرفیت‌سازی از طریق رسانه‌ها و مدیریت سبز شناسایی و برجسته سازی شد.

کلیدواژه‌ها: آموزش عالی، محیط‌زیست، دانشگاه، توسعه پایدار، تحلیل مضمون

Doi: <http://10.22034/JSI.2023.553686.1576>

* مقاله علمی - پژوهشی

این مقاله برگرفته از رساله دکتری با عنوان عملکرد آموزش عالی ایران در مسئله مند کردن محیط زیست با تاکید بر سیاست‌های مربوطه دانشگاه خوارزمی در سال ۱۴۰۰ می‌باشد.

۱ دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی (سیاست‌گذاری فرهنگی)، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران؛ S.jahanbakhsh68@gmail.com

۲ دانشیار گروه جامعه‌شناسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه خوارزمی تهران، ایران (نویسنده مسئول) Javaheri@khu.ac.ir

۳ دانشیار گروه جامعه‌شناسی، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه مازندران، مازندران، ایران؛ S.salehi.umz@gmail.com

مجله جامعه‌شناسی ایران، دوره بیست و سوم، شماره ۳، پاییز ۱۴۰۱، ص ۷۹-۵۷

مقدمه و بیان مسئله

دانشگاه‌ها، از مهم‌ترین کانون‌های اندیشه‌ورزی، تولید و انتقال دانش هستند. آن‌ها واسطه انتقال الگوهای فرهنگی به اعضاء جامعه هستند و متناسب با شرایط دگرگون شونده جامعه خود به عامل نوآوری و فرهنگ‌سازی تبدیل می‌شوند. از این‌رو، مؤسسات آموزش عالی اهرم پیشرفت جامعه هستند. زیرا نظام فکری و ارزش‌های رهبران آینده کشور را - به‌عنوان عوامل تحول‌گرا - می‌سازند (فیندلر و همکاران، ۲۰۱۸).

دگرگونی‌های شدید آموزش عالی باعث شده هدف‌ها برنامه‌ها و جهت‌گیری‌های دانشگاه‌ها بیش‌ازپیش در کانون توجه قرار گیرند (جعفری، ۱۳۹۴). در دوران معاصر، رسالت آموزش عالی فقط تولید و انتقال دانش نیست بلکه انتظار می‌رود در کنار ایفاء کارکردهای علمی مسئولیت کاهش یا تعدیل مشکلات اجتماعی را نیز به عهده داشته باشد.

از آنجاکه یکی از مسائل مهم جوامع امروزی پیشگیری از تخریب روزافزون محیط‌زیست است انتظار می‌رود دانشگاه‌ها نقش رهبری کننده خود در زمینه جلوگیری از فروپاشی محیط‌زیست جهانی را متقبل شوند. به‌ویژه آن‌که یکی از وظایف آموزش عالی کمک به تحقق جامعه سالم است. آموزش عالی پویا قادر است موجبات برقراری ارتباط منطقی میان انسان و محیط‌زیست و امکان توسعه پایدار را فراهم آورد. هر قدر آموزش عالی بیشتر به سوی توسعه پایدار حرکت کند، نظام پویاتری خواهد داشت و هر قدر از این مهم فاصله بگیرد خصلت ایستاتری پیدا خواهد کرد (کان کوسکایا^۱: ۲۰۱۶) از مدت‌ها پیش در پاسخ به نگرانی‌های روزافزون درباره تخریب محیط‌زیست و تقاضا برای انتقال به جامعه پایدارتر، مؤسسات آموزش عالی در سراسر جهان مأموریت‌ها، روش‌ها و رویکردهای آموزشی خود را برای نیل به پایداری محیط‌زیست تغییر داده- اند (گریسو و آیینا، ۲۰۱۴: ۱۶؛ وارگاس و همکاران، ۲۰۱۹: ۷۳۳).

اساساً جامعه معاصر توسعه پایدار را بهترین راه برای حل مشکلات پیچیده و درهم‌تنیده نسل‌های حاضر و آینده در خصوص یکپارچگی کره زمین می‌داند (واس و همکاران، ۲۰۱۰: ۶۲۹). این در حالی است که خشک شدن تالاب‌ها، تخریب جنگل‌ها، کم‌آبی و خشک‌سالی‌های متعدد، آلودگی هوای شهرهای بزرگ، از بین رفتن گونه‌های گیاهی و جانوری و در پی آن تهدید ذخیره ژنتیک کشور و ورود سالیانه ۱۲۲ هزار و ۳۵۰ تن آلودگی نفتی به دریای خزر و به خطر افتادن حیات این اکوسیستم و بحرانی شدن وضعیت ماهیان خاویار دریای خزر و هزینه‌های

1 Kankovskaya

اجتماعی، سیاسی و اقتصادی آن برای دولت رو به تزاید است (میرفردی، ۱۳۹۵، ملکی و عبدالهی، ۱۳۹۲ و فاضلی، ۱۳۹۱).

استفاده بی‌رویه از انرژی و انواع مصنوعات یک‌بارمصرف، اتکا به وسایل نقلیه شخصی، استفاده از انواع آفت‌کش‌ها، دفع مواد زائد به روش غیربهداشتی، جمع‌آوری نامناسب و عدم تفکیک زباله‌ها برای بازیافت، همگی از عدم توجه به اهمیت پایدار نگاه‌داشتن منابع طبیعی کشور حکایت می‌کند. پیامد اساسی این رویه، بی‌توجهی به تخریب محیط‌زیست طبیعی است. رشد تکنولوژی، فرایند جهانی‌شدن، رشد بی‌رویه جمعیت، استفاده از منابع طبیعی در محیط‌زیست به‌طور نامحدود و افزایش نیازهای جهانی، هرروز بیش‌تر از قبل محیط طبیعی را تهدید می‌کند (کلینیک، ۲۰۱۰). مراکز آموزش عالی می‌توانند با راه‌اندازی واحدهای تحقیقاتی، آموزشی و برقراری ارتباط با شرکت‌ها، صنایع و گروه‌های دولتی، عملکرد بخش تولید، خدمات و توزیع را بهبود ببخشند و مصرف انواع انرژی را تعدیل کنند. (صالحی و پازوکی نژاد، ۱۳۹۳).

در ایران نیز دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی به‌عنوان موتور محرکه توسعه جامعه در نظر گرفته می‌شوند (نواح و فروتن کیا، ۱۳۹۰ و احمدیان و حقیقتیان، ۱۳۹۵). برای تحقق یک توسعه پایدار انتظار می‌رود دانشگاه‌ها در ارتباط با پایداری محیط‌زیست به فرهنگ‌سازی بپردازند. زیرا امروز "ما به فرهنگ پایدار اکولوژیکی نیازمندیم که شیوه‌ای از زندگی است که نیازهای نسل فعلی را برآورده می‌سازد بدون این‌که محیط‌زیست را برای نسل‌های آینده به خطر بیافکند" (مشونیس، ۱۳۹۵: ۴۰۷). بر این اساس متن حاضر بر پژوهشی استوار است که هدفش پاسخ دادن به این پرسش است که آیا آموزش عالی ایران در حیطه کار خود، محیط‌زیست را به یک دغدغه اجتماعی تبدیل کرده است؟ و اساساً آموزش عالی ایران در جهت پایداری منابع طبیعی کشور چه اقدام‌هایی انجام داده است؟

چارچوب تحلیلی

امروزه بسیاری از دانشگاه‌ها در جستجوی الگوی جدیدی هستند که بر آن اساس منافع اجتماعی، محیط‌زیستی و اقتصاد محلی و سطح کلان جامعه در کانون فعالیت‌هایشان قرار می‌گیرد (فادوا و موشیزوکی، ۲۰۱۰: ۲۵۰). در این راستا وزارت محیط‌زیست، غذا و امور روستایی بریتانیا (DEFRA) در سال ۲۰۱۰ هدف خود را به این صورت تعریف کرده است: همه مؤسسات

آموزش عالی و کارکنان دوره‌دیده و متخصص در توسعه پایدار باید دانشجویان را برای فرصت یادگیری و امور پایداری آماده سازند (کاتون و همکاران، ۲۰۰۷: ۵۸۰).

نظام آموزش عالی متکی به پارادایم توسعه که متناظر با نظام سرمایه‌داری است با تبعیت از عقلانیت ابزاری به تربیت نیروی انسانی ماهر برای اشتغال در بازار آزاد اقتصاد سرمایه‌داری، تجاری‌سازی دانش و خلق ثروت از دانش می‌پردازد. اما آموزش عالی که به توسعه پایدار نظر دارد با ابتناء به عقلانیت جوهری خود را مسئول تحقق ارزش‌های اقتصادی (مانند کاهش بیکاری، افزایش رفاه، کاهش فاصله طبقاتی، از میان برداشتن فقر و...) ارزش‌های اجتماعی (نظیر عدالت اجتماعی، دموکراسی، رفع تبعیض و...) و محیط‌زیستی (از جمله مصرف مسئولانه انرژی‌های تجدید ناپذیر، حفاظت از لایه ازن، حفظ تنوع زیستی و جلوگیری از تغییرات اقلیمی) برای نسل‌های کنونی و آتی می‌داند (ملکی‌نیا و همکاران، ۱۳۹۳: ۲).

بنابراین، دکترین اقتصادی-سیاسی هر جامعه‌ای تا حد زیادی تعیین‌کننده نوع و کیفیت عملکرد دانشگاه‌های آن است.

نخستین مفهوم‌سازی درباره آموزش عالی پایدار در سال ۱۹۹۰ در بیانیه تالورس بازتاب یافت (جاودانی و حمزه ریاطی، ۱۳۹۸: ۶۷). این امر زمانی رخ داد که رهبران دانشگاه‌ها از ۳۲۰ موسسه آموزش عالی در ۴۷ کشور بیانیه تالورس را امضا کردند و بر این پایه متعهد شدند از طریق آموزش عالی به پایداری محیط‌زیست جامعه‌شان کمک کنند (کاتون و همکاران، ۲۰۰۹: ۳).

جین مایر^۱، رئیس دانشگاه تافتز ایالات‌متحد آمریکا، رهبران دانشگاه‌ها را در فرانسه گرد هم آورد تا با بررسی وضعیت جهان سندی را که دربرگیرنده کنش‌های کلیدی دانشگاه‌ها برای آینده‌ای پایدار باشد، تدوین کنند. آن‌ها نقش دانشگاه‌ها را چنین مفهوم‌سازی کردند:

دانشگاه‌ها افراد را برای توسعه و سازمان‌دهی نهادهای اجتماعی آموزش می‌دهند. بنابراین، مسئولیت سترگی برای افزایش آگاهی، دانش، فناوری و ابزارهای توسعه‌ای بر عهده‌دارند (گریسو و آیینا، ۲۰۱۴: ۱۶-۱۵). به همین دلیل از دهه ۱۹۹۰، دانشگاه‌های سراسر جهان به‌طور فزاینده‌ای جنبش توسعه پایدار را پذیرفتند. بیش از ۱۰۰۰ موسسه دانشگاهی در سراسر جهان اعلامیه‌های بین‌المللی اجرای توسعه پایدار را امضا کردند (واس و همکاران، ۲۰۱۰: ۶۲۹). براین‌اساس یکی از چالش‌های بزرگ قرن بیست‌ویکم برای مؤسسات آموزش عالی، آموزش متخصصانی است که هم خواهان پیشرفت جامعه و هم خواهان پایداری آن باشند (جوینت و جلی د سیرانا، ۲۰۰۸: ۷۶۴).

1 Jane Mayer

فلاگیتیس^۱ عناصر بنیادی آموزش عالی پایدار را مشتمل بر اصول زیر می‌داند:

اول) تأکید بر مفاهیم اساسی از قبیل کیفیت زندگی و شادی انسان همسو و هماهنگ با هر فرهنگ خاص؛ دوم) صورت‌بندی مجدد مفهوم توسعه برای تمرکز بر تأمین نیازها و پیگیری همه شهروندان جهان بر اساس برابری اجتماعی، عدالت، تکثرگرایی اجتماعی و تعادل بین انسان‌ها و محیط‌زیست؛ سوم) نظم جدید اقتصاد جهانی مبتنی بر برابری، نبود استثمار، صلح و خلع سلاح؛ چهارم) تأکید و تمرکز بر مسائل محیط‌زیستی و اجتماعی در مقیاس جهانی؛ پنجم) در نظر گرفتن نسل‌های آینده؛ ششم) تغییر در نظام‌های ارزشی و نگرش‌های زندگی و در روابط بین انسان‌ها و طبیعت و بین انسان‌ها (فلاگیتیس، ۱۹۹۸: ۱۹۱).

از دهه ۷۰ میلادی که جامعه‌شناسان به موضوع محیط‌زیست توجه کردند، مشخص شد که نظریات کلاسیک جامعه‌شناسی فاقد چارچوب تحلیلی مناسبی برای فهم تعامل پیچیده‌ی میان انسان، جوامع و محیط‌زیست است (باقری و همکاران، ۱۳۹۷: ۱۴۹). به این دلیل برخی متخصصان به نظریه‌پردازی در این زمینه مبادرت ورزیدند. از جمله آن‌ها می‌توان از جان‌هانینگن^۲ و دیدگاه برساخت‌گرایی او نام برد. برساخت‌گرایی اجتماعی، رویکردی برای مطالعه مسائل اجتماعی است. از منظر این دیدگاه، مصادیق آلودگی‌های محیط‌زیستی به‌خودی‌خود معنی‌دار نیستند مگر اینکه توده مردم و مسئولان کشور در مورد آن‌ها به یک درک دغدغه‌مندانه نائل شوند، از آن بابت نگران شوند و درصدد برآیند که در آن مورد کاری انجام دهند.

بر ساخت‌گرایان اجتماعی معتقدند مشکلات محیط‌زیستی به‌صورت اجتماعی ساخته‌وپرداخته می‌شوند و در خلال این فرآیند معلوم می‌شود که یک مسئله محیط‌زیستی آیا همان‌قدر که ادعا کنندگانش مطرح می‌کنند، جدی هست یا نه (ساتن، ۱۳۹۲: ۴۲).

نظریه جان‌هانینگن برای پاسخ به این پرسش که آموزش عالی چگونه می‌تواند محیط‌زیست را به مثابه یک مسئله اجتماعی برساخت کند مناسب به نظر می‌رسد. او به این منظور وجود شش عامل زیر را ضروری می‌داند:

اول، مسئله محیط‌زیستی باید از اقتدار علمی و اعتبار ادعاها برخوردار باشد. ممکن است گاهی دستاوردهای علمی به یک دوست غیرقابل‌اعتماد برای جنبش محیط‌زیستی تبدیل شود اما، بدون تأیید بخشی از داده‌های علوم زیستی و فیزیکی، امکان ندارد که یک وضعیت محیط‌زیستی یک مسئله اجتماعی شود.

1 Flogaitis

2 John Hannigan

دوم، وجود یک یا چند مروج علمی نظیر محقق و نویسنده لازم است که بتوانند مشکل محیط‌زیستی را در قالب یک مسئله اجتماعی صورت‌بندی کنند. ادعاها را چارچوب‌بندی و تنظیم کنند تا مورد توجه روزنامه‌نگاران، رهبران سیاسی و سایر افرادی که بر افکار عمومی تأثیرگذارند، قرار گیرد.

سوم، مسئله محیط‌زیستی مانند سوراخ شدن لایه اوزون، از بین رفتن تنوع زیستی، تخریب جنگل‌های مناطق حاره، گرم شدن آب و هوای جهان باید ارزش خبری پیدا کند و به کانون توجه رسانه‌ها تبدیل شود.

چهارم، مسئله محیط‌زیستی باید در قالبی بیان شود که از نظر عاطفی مردم را متأثر سازد. در واقع باید نوعی میانبر شناختی را در ذهن مخاطب ایجاد کرد. به این معنا که استدلال پیچیده را در قالب گزاره‌ای ساده که به آسانی قابل فهم و از نظر اخلاقی برانگیزنده باشد، مطرح کرد. پنجم، باید مشوق‌های اقتصادی وجود داشته باشد تا در باب مشکلات محیط‌زیستی اقدامی عملی صورت گیرد.

ششم، مسئله‌مند شدن محیط‌زیست نیازمند حمایت نهادی پایداری است تا بتواند موضوعات این حوزه را در دستور کار سیاست‌گذاری قرار دهد (هانینگن، ۱۳۹۳: ۱۹۱-۱۸۴).

به این ترتیب باید گفت فقط دولت‌ها نیستند که مسئول انسجام و توسعه اجتماعی هستند بلکه بازیگران جامعه مدنی، بخش خصوصی و اتحادیه‌هایی متشکل از سازمان‌های غیردولتی نیز باید به‌طور جدی در این امر مشارکت داشته باشند (هانسن و لمان، ۲۰۰۶: ۸۲۰، بارو، ۱۳۷۶: ۵۷).

علاوه بر نظریه‌های یادشده، یافته‌های پژوهشی هم نقش آموزش عالی در حفظ محیط‌زیست و توسعه پایدار را تأیید می‌کند. برای مثال پژوهش ریبریو و همکاران^۲ (۲۰۱۷) در دانشگاه سانتا کاترینا جنوبی برزیل بیانگر آن است که دانشگاه‌ها می‌توانند الگویی برای توسعه پایدار و ایجاد آگاهی جدید محیط‌زیستی و اجتماعی باشند.

نتیجه تحقیق پیزمونی‌لوی و استرومیشل^۳ (۲۰۱۸) هم نشان داد که شنیدن درباره محیط‌زیست و پایداری در کلاس و عضویت در گروه‌های محیطی مستقر در دانشگاه اثرات مثبت و معناداری بر مشارکت کنشگران اجتماعی در پایداری محیط‌زیست دارد.

1 Polpulators

2 Ribeiro & et al...

3 Pizmony-Levy & Ostrow Michel

پژوهش سادی و همکاران^۱ (۲۰۱۹) نشان داد که دانشگاه‌های لهستان تلاش می‌کنند شایستگی‌های مرتبط با توسعه پایدار را نه تنها از طریق آموزش رسمی بلکه از طریق فعالیت‌های غیررسمی به سمت چالش‌های اجتماعی و محیط‌زیستی هدایت کنند.

نتیجه تحقیق فیندلر و شنرر^۲ (۲۰۱۹) در خصوص تحلیل محتوای مقاله‌های سال‌های ۲۰۰۵ تا ۲۰۱۷ بیانگر آن است که مؤسسات آموزش عالی بر توسعه پایدار تأثیر مستقیم دارد. نتایج تحقیق فرانکو و همکاران^۳ (۲۰۱۸) حاکی از آن است که عملکرد آموزش عالی برای توسعه پایدار در سیاست، برنامه درسی و عملی تا حد زیادی به درک بهتر از وضعیت موجود بستگی دارد.

محققان ایرانی نیز در این مورد گام‌هایی برداشته‌اند. از جمله نظرسنجی شفائی‌یامچلو و همکاران (۱۳۹۷) از اعضای هیئت‌علمی دانشگاه تهران بیانگر آن است که دانشگاه از حیث مسئولیت اجتماعی در رابطه با محیط‌زیست عملکرد رضایت‌بخشی نداشته است. تحقیق صالحی و همکاران (۱۳۹۷) حاکی از آن است که عدم وجود پیش‌شرط‌های لازم در تعریف یک بر ساخت موفق اجتماعی سبب شده که بسیاری از مشکلات محیط‌زیستی ایران به مسئله عمومی و همگانی و به تعبیر دقیق‌تر به مسئله اجتماعی تبدیل نشود.

پژوهش مهرعلیزاده (۱۳۹۶) مبین آن است که در برنامه اول تا پنجم توسعه کشور (بعد از انقلاب اسلامی) بین سیاست‌گذاری‌های مرتبط با جهانگردی و نظام‌های آموزش عالی تعاملی وجود ندارد. در برنامه ششم توسعه رویکرد تعاملی پیش‌بینی شده است؛ اما فضای تقابلی کنونی ناشی از ساختارهای پیچیده کنونی و ناهمگرایی تثبیت‌شده طی سال‌های گذشته، تضاد منافع سازمانی و مدیریتی، گسستگی نظام سیاست‌گذاری در این دو حوزه باعث شد در برنامه ششم نیز خروج از تقابل بین دو حوزه قابل پیش‌بینی نباشد.

یافته‌های پژوهشگران دیگر از جمله راد و جباری (۱۴۰۱)، رضایی و شبیری (۱۳۹۳)، ملکی و همکاران (۱۳۹۵)، راد و همکاران (۱۳۹۶)، رضانی‌قوام‌آبادی (۱۳۹۱)، سیفی (۱۳۹۵)، صالحی و پازوکی‌نژاد (۱۳۹۲)، فقدان توجه کافی آموزش عالی ایران به موضوع محیط‌زیست پایدار را تأیید می‌کند.

1 Sady & et al...

2 Findler & Schönherr

3 Franco & et al...

بررسی ادبیات نظری و تجربی یادشده نشان می‌دهد که اگرچه آموزش نقش اساسی در حرکت به سمت توسعه پایدار دارد اما این به‌تنهایی کافی نیست. به همین خاطر مهارت و نگرش و حتی آگاهی از مسائل محیط‌زیستی و توسعه پایدار تنها برای ایجاد رفتارهای مسئولانه انسان که به آینده‌ای پایدار کمک کند بسنده نیست. تغییر در این رفتارها مستلزم ترکیبی از همه آن‌ها است. در مجموع باید گفت هرچند که پژوهش‌های خارجی از عملکرد محیط‌زیستی دانشگاه‌ها حکایت می‌کند، پژوهش‌های ایرانی از فقدان یک رابطه ارگانیک بین دانشگاه و محیط‌زیست پرده برمی‌دارد.

روش پژوهش

مطالعه حاضر بر پارادایم تفسیری- تحلیلی اتکا دارد. به‌منظور شناسایی عملکرد آموزش عالی در خصوص توسعه پایدار و حفظ محیط‌زیست از مصاحبه با آگاهان کلیدی استفاده شده است. متن مصاحبه‌ها به‌وسیله روش تحلیل مضمون تجزیه و تحلیل شده است.

همان‌طور که پیش‌ازاین اشاره شد در این پژوهش پاسخگویی به این سؤال مدنظر بوده که آیا آموزش عالی ایران در حیطه کار خود، محیط‌زیست را مسئله‌مند ساخته است؟ و در این راستا چه اقدام‌هایی انجام شده است؟ به این منظور از الگوی چندبعدی هانیگن استفاده شد و این محورها مورد پرسش قرار گرفت:

- وزارت علوم در جهت تقویت تشکل‌های مدنی در زمینه پایداری و محیط‌زیست چه اقداماتی انجام داده است؟
- وزارت علوم برای کسانی که در حیطه پایداری و محیط‌زیست کار می‌کنند چه امتیازهایی در نظر گرفته است؟
- آیا وزارت علوم از ظرفیت رسانه‌ها برای عمومی کردن (آگاه ساختن مردم، حساس کردن استادان، دانشجویان و کارمندان) دغدغه‌های محیط‌زیستی استفاده کرده است؟
- آیا وزارت علوم از متخصصان محیط‌زیستی برای پایداری و حفظ منابع طبیعی در برنامه-ریزی به سمت توسعه پایدار استفاده کرده است؟
- وزارت علوم در زمینه محیط‌زیست و توسعه پایدار چه داده‌های علمی و مصوبات قابل اتکایی تولید کرده است؟

مصاحبه‌شوندگان بر اساس نمونه‌گیری هدفمند و نظری بر مبنای این اصل که از اطلاعات کافی در مورد سیاست‌های وزارت علوم، تحقیقات و فناوری و سازمان محیط‌زیست در رابطه با سیاست‌های توسعه پایدار برخوردار باشند انتخاب شدند. دلیل انتخاب افراد از سازمان محیط‌زیست نیز این بوده که مشارکت‌کنندگان در پژوهش سازمان محیط‌زیست را متولی این امر می‌دانستند و در واقع محیط‌زیست را اولویت نمی‌دانستند و اکثراً مشارکت‌کنندگان این وظیفه را به سازمان محیط‌زیست نسبت می‌دادند به همین دلیل به سازمان محیط‌زیست نیز مراجعه و با افراد موردنظر مصاحبه شد. مشخصات مصاحبه‌شوندگان در جدول شماره ۱، ارائه شده است.

جدول شماره ۱: مشخصات مصاحبه‌شوندگان

ردیف	سمت	مدرک تحصیلی	جنس
۱	مشاور معاون فرهنگی	دکتری	مرد
۲	رئیس آموزش عالی علم و فناوری	دکتری	مرد
۳	معاون دفتر مشارکت‌های اجتماعی و مردمی	دکتری	مرد
۴	معاون کل سیاست‌گذاری فرهنگی و اجتماعی	دکتری	مرد
۵	معاون مدیرکل فرهنگی وزارت علوم	دکتری	مرد
۶	مدیر گروه جامعه‌شناسی کودک کرسی یونسکو و گروه برنامه‌های فرهنگی و اجتماعی وزارت علوم	دکتری	زن
۷	مدیر بخش آموزش وزارت علوم	دکتری	مرد
۸	مدیر دفتر اقتصاد و فناوری محیط‌زیست	دکتری	زن
۹	رئیس کمیته محیط‌زیست در کرسی سلامت اجتماعی	دکتری	مرد
۱۰	رئیس آموزش محیط‌زیست	دکتری	مرد

برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از نرم‌افزار مک‌کیودا بهره گرفته شد. عبارت‌ها که در حکم واحد تحلیل بودند به کوچک‌ترین اجزای مفهومی تجزیه شدند، مفاهیم اصلی آن‌ها استخراج و یادداشت‌برداری شد. این فرآیند در چند مرحله ادامه یافت تا همه ابعاد و وجوه موضوع تحقیق احصاء شد. پس از استخراج کامل مفاهیم اولیه، در مرحله دوم باهدف قرار دادن مفاهیم مشابه ذیل دسته‌های بزرگ‌تر، زیر مقوله‌های مناسب به دست آمد. در مرحله سوم زیر مقوله‌های مشابه در یک دسته بزرگ‌تر که مقوله اصلی نامیده می‌شود، قرار گرفت که مقوله‌های اصلی پدیده مورد مطالعه را توصیف می‌کند.

تجزیه و تحلیل داده‌ها

هنگام بررسی معیارهای موردنظر هانیگن اکثر پاسخگویان اظهار کردند که در وزارت علوم ایران به توسعه پایدار و محیط‌زیست به صورت جسته‌وگریخته و جزئی پرداخته شده است و اقدامات انجام شده با معیارهای هانیگن قابل تطبیق نیست. آنان اساساً وظیفه وزارت علوم را فرهنگ‌سازی در حوزه پایداری محیط‌زیست نمی‌دانستند. برای مثال یکی از مصاحبه‌شوندگان اظهار کرد:

به‌طور کلی نظام دانشگاهی ما به درجه‌ای نرسیده که ساختارهای حفاظت از محیط‌زیست را ایجاد کند. مناسبات اجتماعی و فرهنگی و سیاسی ایران هنوز به اونجایی نرسیده که این دغدغه برجسته باشد و محوریت پیدا کند

یا مصاحبه‌شونده‌ای دیگر بیان داشت:

در وزارت علوم برای ایجاد دغدغه محیط‌زیست و حساس سازی هیچ مشوقی وجود ندارد مگر این‌که حرکت‌هایی درون جوش باشد

مصاحبه‌شونده دیگری نیز بیان داشت

ما در ایران سوسائیتی به معنای واقعی کلمه نداریم، کسانی که در مناسبات انقیاد آور هستند و شعار حفظ محیط‌زیست میدان اینا در واقع این چیزا بهشون تحمیل شده و کارد به استخونشون رسیده و منفعلانه عمل می‌کنند در واقع سلبی هست به همین خاطر هیچ تأثیری نداره در رسانه و دولت شعار محیط‌زیست میدان اما اولین و بزرگ‌ترین تخریب‌کننده محیط-زیست خودشون هستن برای اینکه اصلاً دغدغه آزادی و رهایی ندارند.

در مواجهه با این واقعیت مشخص شد الگوی هانیگن قابل کاربرد نیست. بر این مبنا پرسش تحقیق مورد بازبینی قرار گرفت. با قبول این ایده که وزارت علوم فعالیت سازمان‌دهی شده خاصی در مورد پایداری محیط‌زیست انجام نداده است، سؤال تحقیق به این شیوه طراحی شد که از نظر پاسخگویان اساساً آموزش عالی ایران چگونه می‌تواند به تحقق پایداری محیط‌زیست کمک کند؟ سؤال‌های جدید از این قرار بودند:

۱. آموزش عالی ایران برای مساله‌مند کردن محیط‌زیست چه اقدام‌هایی باید یا می‌تواند انجام دهد؟

۲. مدیران دانشگاه‌ها، استادان و دانشجویان چگونه می‌توانند در جهت پایداری محیط‌زیست با یکدیگر همکاری کنند؟

پس از جمع‌بندی پاسخ‌ها و جداسازی مضامین و حذف موارد مشابه ابتدا ۹۹ کد اولیه استخراج شد و در مرحله دوم کدهای مشابه بررسی و تعداد کدها به ۸۸ کد تقلیل یافت که این ۸۸ کد

تحت عنوان ۱۳ مقوله به شرح ذیل قرار گرفتند و در نهایت همه مقوله‌ها تحت عنوان مضمون اقدامات آموزش عالی برای توسعه پایدار محیط‌زیست قرار گرفتند.

مقوله اول) مداخله برنامه‌ریزی شده حاکمیت در حوزه محیط‌زیست

- ✓ شکل‌گیری حزب سیاسی با مطالبه‌گری محیط‌زیست
 - ✓ اطلاع‌رسانی قوانین حفظ محیط‌زیست در مجامع بین‌المللی
 - ✓ برقراری ارتباطات بین‌المللی در خصوص تعهدهای زیست‌محیطی
 - ✓ اشتغال‌زایی در حوزه محیط‌زیست برای فارغ‌التحصیلان دانشگاهی
 - ✓ تربیت حافظان محیط‌زیست با فرهنگ‌سازی در سن پایه
 - ✓ توجه به مناسبت‌های محیط‌زیستی در تقویم کشور
 - ✓ برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری با تعامل دانشگاهیان و متخصصان
- اکثر پاسخگویان معتقد بودند اگر قرار باشد نظام آموزش عالی ایران موضوع محیط‌زیست و توسعه پایدار را به یک دغدغه اجتماعی تبدیل کند باید نظام سیاسی و حاکمیت با شناسایی مشکلات کشور در حوزه محیط‌زیست و استفاده صحیح و بهینه از منابع ملی با برنامه‌ریزی دقیق وارد این حوزه شود و سیاست‌های کلان خود را در این خصوص هدایت کند.

مقوله دوم) پیوستگی فرهنگی

- ✓ تلفیق سنت و دانش جدید در حفظ محیط‌زیست در کشور
 - ✓ وجود فرهنگ دیرین احترام به محیط‌زیست در ایران
 - ✓ تمرکز بر مسئولیت‌پذیری اجتماعی دانشگاه و تأثیر بر محیط پیرامونی
 - ✓ تأثیرگذاری غیرمستقیم آموزش عالی با توجه به فلسفه وجودی
 - ✓ رصد کردن پیامدهای زیست‌محیطی آیین‌نامه‌های اجرایی
- مشارکت‌کنندگان بر این باور بودند که چنانچه آموزش عالی بخواهد محیط‌زیست و توسعه پایدار را به اولویت‌های خود تبدیل کند باید به منابع فرهنگی کهن ایرانی رجوع کند و به تقویت باوری مردم و مسئولان در مورد اهمیت محیط‌زیست بپردازد. پیوستگی فرهنگی باعث تثبیت هویت ملی، تقویت خودباوری، انباشت و نگهداشت تجربیات فرهنگی، افزایش توانایی و بهره‌بردن از سرمایه‌های ملی و انسانی شده و در جهت توسعه پایدار و حفظ منابع طبیعی در جامعه ایران مؤثر واقع می‌شود.

مقاله سوم) آمایش سرزمینی

- ✓ قطب‌بندی علمی فناوری محیط‌زیست در دانشگاه‌ها
 - ✓ مزید کردن رشته‌های حفظ محیط‌زیست بومی و منطقه ای
- آمایش سرزمین در واقع به معنای بهره‌برداری از زمین و منابع آن با برنامه‌ریزی همه‌جانبه به‌منظور برقراری تعادل بین روابط انسان و محیط در فضاهای مختلف جغرافیایی است. لذا آموزش عالی باید با ورود به آمایش سرزمینی امکانات و منابع طبیعی را ساماندهی کرده و با اصلاح فرایندهای آموزشی، ایجاد قطب‌های علمی و آموزشی و اصلاح شیوه پذیرش دانشجو بر اساس آمایش سرزمینی و بسیج امکانات موجود در یک شهر یا استان در جهت پایداری گام بردارد.

مقاله چهارم) آموزش عمومی درباره محیط‌زیست

- ✓ فرهنگ‌سازی برای حفظ محیط‌زیست در وزارت علوم
 - ✓ مطالبه‌گری مردم برای توسعه پایدار محیط‌زیست
 - ✓ حساس کردن و مطالبه‌گری عمومی با آگاهی زیست‌محیطی آموزش عالی
 - ✓ ارتقا دانش و آگاهی عمومی توسط دانشگاه‌ها
 - ✓ تأثیرگذاری دانشگاه با جهت‌دهی، شکل‌دهی و ارتباط با جامعه
 - ✓ استفاده ظرفیت‌های دانشگاه برای فرهنگ‌سازی و ایجاد الگوی رفتار پایدار
 - ✓ دانشگاه به‌عنوان گروه مرجع تأثیرگذار بر اقشار جامعه عمل کند.
- بسیاری از تهدیدهای محیط‌زیستی حاصل عدم آگاهی شهروندان و حتی عدم اطلاع‌رسانی توسط نهادهای ذی‌ربط است. این فقدان اطلاع‌رسانی و آگاهی‌بخشی باعث شده که منابع طبیعی ایران با سرعت سرسام‌آوری و به شیوه‌ای غیراصولی مصرف شود. نظر پاسخگویان حاکی از آن است که آموزش عالی در مورد آگاهی‌بخشی درباره محیط زیست اقدام خاصی انجام نداده است. درحالی‌که ظرفیت‌های کافی برای این مهم را دارا می‌باشد.

مقاله پنجم) گفتمان سازی در خصوص محیط‌زیست

- ✓ فعال کردن اندیشکده‌های محیط‌زیست برای رفع نیازهای منطقه
- ✓ برگزاری میز اندیشه زیست‌محیطی در دانشگاه‌ها
- ✓ برگزاری همایش و جشنواره‌های حفاظت محیط‌زیست در وزارت علوم
- ✓ برگزاری جلسه‌های نقد سیاست‌گذاری حفظ محیط‌زیست در دانشگاه

- ✓ انتشار هشدارهای راهبردی در خصوص بحران‌های زیست‌محیطی در کشور
 - ✓ برگزاری کرسی‌های آزاداندیشی در خصوص حفظ محیط‌زیست در دانشگاه‌ها
 - ✓ برگزاری مناظره‌های حفظ محیط‌زیست در دانشگاه‌ها
- امروزه جامعه‌شناسان محیط‌زیست با تأکید بر گفتمان‌های محیط‌زیستی درصددند نشان دهند که هم تصمیمات و سیاست‌گذاری‌های کلان و هم نوع ارزش‌ها و رفتارها و کنش‌های محیط‌زیستی باید در انگاره‌های گفتمانی شکل گیرند. بر این اساس پاسخگویان هم‌نظر با جامعه‌شناسان محیط‌زیست معتقدند که آموزش عالی ایران باید با گفتمان سازی و ایجاد بسترهای لازم و حتی ایجاد تغییرات در رویه‌های آموزشی در جهت پایداری جامعه گام بردارد.

مقاله هشتم) شکل‌گیری نهادهای مدنی حامی محیط‌زیست

- ✓ فعال کردن کانون‌ها در معاونت فرهنگی دانشگاه‌ها
 - ✓ تشکیل شبکه مردم‌نهاد و نظارت فعالیت‌های محیط‌زیستی وزارت علوم
 - ✓ انجام اقدامات داوطلبانه و خودجوش در دانشگاه‌ها
 - ✓ ورود داوطلبانه و خودجوش برای حفظ محیط‌زیست توسط دانشگاه‌ها
 - ✓ هوشمندانه عمل کردن جامعه مدنی با همراهی استاد محیط‌زیست
 - ✓ تشکل مدنی خودجوش کنشگر برای اطلاع‌رسانی، چاپ، سمینار و ...
- کمک به شکل‌گیری نهادهای مدنی حامی محیط‌زیست می‌تواند به جلب مشارکت دانشگاهیان به این قبیل فعالیت‌ها کمک کند.

مقاله نهم) اولویت بخشیدن به پژوهش درباره محیط‌زیست پایدار

- ✓ تولید فناوری شرکت‌های دانش‌بنیان در مراکز رشد و فناوری دانشگاه
- ✓ تزریق پژوهش‌های دانشگاهی در جهت حل مسائل جامعه
- ✓ راه‌اندازی سامانه سمات برای تکراری نبودن عناوین مشترک پژوهشی
- ✓ برگزاری سمینارهایی با حوزه حفظ محیط‌زیست در دانشگاه‌ها
- ✓ عقد قرارداد با پروپوزال‌های مرتبط و مورد تأیید سازمان
- ✓ فعالیت پژوهشی اساتید در سازمان‌های تخصصی با همکاری وزارت علوم
- ✓ اعطای فرصت مطالعاتی برای اساتید دانشگاه
- ✓ حمایت از طرح‌ها و پایان‌نامه‌های دانشجویی

نظریه‌های ارائه‌شده حاکی از آن است که از منظر پاسخگویی آموزش عالی باید اولویت‌های پژوهشی خود را بر موضوع‌های محیط‌زیستی متمرکز سازد و با ایجاد مشوق‌های لازم اساتید و دانشجویان را به پژوهش در این حوزه ترغیب نماید. برگزاری گردهمایی‌ها، سمینارها نشست‌های علمی درباره موضوعات محیط‌زیستی می‌تواند نافذ باشد.

مقوله هشتم) تدوین برنامه‌های آموزشی محیط‌زیست محور

- ✓ تقویت و تسهیلگری برای رشته‌های حفظ محیط‌زیست
- ✓ پیش‌بینی درس محیط‌زیست در آموزش عالی
- ✓ فراهم‌سازی آموزش فراگیر و باکیفیت برابر برای همگان
- ✓ فراهم کردن فرصت‌های یادگیری مادام‌العمر برای همگان
- ✓ ایجاد حساسیت در بین مدیران آموزش عالی نسبت به محیط‌زیست و پایداری
- ✓ اعلام سرفصل‌ها برای تدوین کتاب‌های موردنیاز توسط سازمان‌های تخصصی
- ✓ اعلام نیاز تدوین دروس به آموزش عالی توسط سازمان‌های تخصصی
- ✓ نیاز آموزش عالی به شناخت مشکلات محیط زیستی در جامعه ایران و مسائل مربوط به آن برای تدوین برنامه‌ها
- آموزش عالی ایران با تخصیص واحدهای درسی به آموزش مسائل محیط‌زیستی می‌تواند به افزایش شناخت و آگاهی افراد در این حوزه کمک کند.

مقوله نهم) تقویت همکاری بین بخشی در راستای محیط‌زیست پایدار

- ✓ تفاهم‌نامه دانشگاه‌ها با سازمان محیط‌زیست
- ✓ لحاظ کردن مشوق‌هایی برای همکاری بین بخشی سازمان‌ها و وزارت علوم
- ✓ تدوین آیین‌نامه همکاری بین سازمانی و مکلف دانستن اجرای آن
- ✓ هم‌افزایی دانشگاه‌ها با سازمان حفاظت محیط‌زیست
- ✓ برقراری تفاهم‌نامه دانشگاه‌ها با سازمان حفاظت محیط‌زیست
- ✓ ضمانت اجرایی مصوبات جلسات متشکله با هم‌افزایی نهادهای مرتبط
- نظر به این‌که آرمان محیط‌زیست پایدار امری چندبخشی است سازمان‌ها و نهادهای مختلف باید در این زمینه با یکدیگر همکاری داشته باشند. از نظر پاسخگویی همکاری‌های بین بخشی

دانشگاه با سایر سازمان و ارگان‌های متولی امور محیط‌زیست نابسند است. چنانچه این تعامل به واسطه فعالیت مشترک آموزش عالی و دانشگاه‌ها تقویت شود نتایج بهتری حاصل می‌شود.

مقاله دهم) نقش متخصصان در تسریع توسعه پایدار محیط‌زیست

- ✓ پرورش متخصصان حوزه محیط‌زیست در آموزش عالی کشور
 - ✓ تشکیل کارگروه‌های تخصصی محیط‌زیست
 - ✓ ورود متخصصان دانشگاهی به مباحث مدیریتی و سیاست‌گذاری
 - ✓ نقش سرمایه‌های انسانی دانشگاهی در تسریع توسعه پایدار محیط‌زیست
 - ✓ جذب افراد متخصص سازمان حفظ محیط‌زیست برای آموزش در دانشگاه‌ها
- از آنجاکه در دنیای معاصر تخصص گرایی اهمیت زیادی پیدا کرده، آموزش عالی باید از توان متخصصان محیط‌زیستی بیشتر و بهتر استفاده کند تا به این ترتیب کارایی اقدام‌ها و فعالیت‌های خود را ارتقاء بخشد.

مقاله یازدهم) الگوبرداری از توسعه پایدار محیط‌زیست

- ✓ استفاده از تجربه‌های فناوری نوین جهان در توسعه پایدار محیط‌زیست
 - ✓ مدنظر قرار دادن هدف‌های جهانی در توسعه پایدار محیط‌زیست
 - ✓ نشر تجربه‌های موفق در حفظ محیط‌زیست
 - ✓ آسیب‌شناسی با انجام مطالعه تطبیقی دانشگاه‌های کشور.
- امروزه استفاده از فناوری‌های نوین تحقق‌بخش به اصل پایداری و دوستدار طبیعت جایگزین روش‌های سنتی شده است برای جلوگیری از بحران‌های محیط‌زیستی در کشور استفاده از این فناوری‌ها لازم است. به این منظور سازمان‌ها و از جمله آموزش عالی باید از تجارب جهانی در حوزه توسعه پایدار استفاده نموده و با الگوبرداری از کشورهای پیشرفته و البته بومی‌سازی این الگوها و فناوری‌ها و مدنظر قرار دادن هدف‌های جهانی در جهت پایداری جامعه ایران گام‌های اساسی بردارند.

مقاله دوازدهم) استفاده از ظرفیت رسانه در نهاده‌سازی توسعه پایدار محیط‌زیست

- ✓ استفاده از شبکه‌های اجتماعی و فضای مجازی برای مطالبه‌گری
- ✓ مطالبه‌گری رسانه‌ها برای مشکلات و چالش‌های محیط‌زیستی

- ✓ کنشگری در رسانه‌ها در قبال حفظ محیط‌زیست
 - ✓ استفاده از تبلیغات غیرمستقیم برنامه‌های تلویزیونی
 - ✓ پرداختن به حفاظت محیط‌زیست در نشریه‌های دانشجویی دانشگاه‌ها
 - ✓ استفاده از شبکه‌های اجتماعی برای تبلیغات حفظ محیط‌زیست
 - ✓ اطلاع‌رسانی اقدامات حفاظت محیط‌زیست دانشگاه‌ها
- از آنجاکه رسانه‌ها اعم از رسانه جمعی یا اجتماعی، ابزاری قدرتمند جهت اطلاع‌رسانی و آگاهی‌بخشی به عموم مردم هستند آن‌ها نقش مهمی در تغییرات اجتماعی دارند. به این منظور ضروری است در دانشگاه از ظرفیت این قبیل رسانه‌ها بیشتر و بهتر استفاده شود.

مقاله سیزدهم) مدیریت سبز

- ✓ نظارت و ارزشیابی دانشگاه‌ها برای اقدامات حفاظت محیط‌زیست
- ✓ تفکیک زباله‌ها در دانشگاه
- ✓ سیگار نکشیدن دانشجویان در فضای دانشگاه
- ✓ قرار داشتن بحث حفظ محیط‌زیست در عمران و توسعه دانشگاه‌ها
- ✓ ارزیابی دانشگاه‌ها از نظر مدیریت سبز با توجه به نوع منطقه
- ✓ مدیریت سبز دانشگاه‌ها با توجه به شرایط آب و هوایی منطقه
- ✓ توجه به مدیریت فضای سبز دانشگاه‌ها
- ✓ اجرای روز درختکاری و سبز نگه‌داشتن دانشگاه‌ها
- ✓ برگزاری نشست در خصوص مدیریت سبز در دانشگاه‌ها
- ✓ پایین آمدن هزینه‌ها با اجرای مدیریت سبز
- ✓ تمرکز مدیریت سبز بر مدیریت صحیح پسماند و آلاینده‌ها
- ✓ تمرکز مدیریت سبز بر مصرف بهینه انرژی
- ✓ تشکیل کارگروه‌های مدیریت سبز در دانشگاه‌ها
- ✓ قرار داشتن آیت‌م فضای سبز و درختکاری در توسعه دانشگاه‌ها
- ✓ تشکیل گروه راهبری مدیریت سبز در وزارت علوم
- ✓ تدوین آیین‌نامه دانشگاه سبز در وزارت علوم

مدیریت سبز به‌کارگیری مؤثر و کارآمد تمامی منابع مادی و انسانی برای هدایت و کنترل سازمان جهت نیل به هدف‌های محیط زیستی با سازمان‌دهی و برنامه‌ریزی است و سازمان‌ها با بهره‌مندی از مفاهیم و شاخص‌های مدیریت سبز می‌توانند در جهت نیل به وضعیت سبز که یکی از مصداق‌های آن مصرف بهینه انرژی است، حرکت نمایند. مشارکت‌کنندگان در این راستا معتقدند که اگرچه آموزش عالی تا حدودی در این راستا اقدام‌هایی انجام داده است ولی آن‌چنان‌که باید و شاید به این مهم نیز در آموزش عالی توجهی نشده است و شاید تنها در حد اقدامات جزئی کارهایی انجام شده باشد. بنابراین آن‌ها معتقدند که با توجه به هدف‌های مدیریت سبز از جمله حفاظت از منابع پایه و محیط‌زیست باید آموزش عالی به‌طورجدی تری به مقوله مدیریت سبز توجه کند. بر این اساس کلیه این سیزده مقوله تحت عنوان مضمون اقدام‌های آموزش عالی برای توسعه پایدار محیط‌زیست قرار گرفتند.

بحث و نتیجه‌گیری

مشکلات محیط‌زیست مسئله یک منطقه یا کشور خاص نیست بلکه به درجه‌های مختلف گریبان‌گیر ملت‌ها و جوامع مختلف است. علاوه بر این تبعات مخاطرات محیط‌زیست محیطی به‌سرعت به خارج از مرزهای ملی یک سرزمین گسترش پیدا می‌کند. به همین دلیل حل‌وفصل این قبیل مسائل نیازمند توجه ویژه و اساسی سازمان‌ها و نهادهای متعدد در داخل و خارج از یک کشور است. در همین راستا سازمان‌های جهانی متعددی تشکیل شده که به‌صورت سالانه همایش‌ها، سمینارها و گردهمایی‌هایی را برگزار می‌کنند و با تولید اسناد حقوقی، ائتلاف و منشورهای جهانی کشورهای جهان را در زمینه محیط‌زیست به همکاری در این زمینه ترغیب می‌کنند و از این رهگذر موجب همکاری‌های بین‌المللی و هم‌اندیشی می‌شود. در کنار اقدام‌های بین‌المللی، ضروری است هر کشوری از تمام ظرفیت‌های نهادی خود برای حفظ محیط‌زیست بهره‌برداری کند. با توجه به عمومیت مشکلات محیط‌زیست و اقدام آموزش عالی جهانی در کاهش این بحران، این پرسش شکل گرفت که آیا آموزش عالی ایران توانسته محیط‌زیست را به یک دغدغه و مسئله اجتماعی تبدیل کند و در این مورد به فرهنگ‌سازی بپردازد؟

به این منظور در ابتدا از طرح فکری جان هانینگ استفاده شد. اما در اولین برخورد با مصاحبه‌شوندگان مشخص شد که آموزش عالی ایران در این مورد اقدام چشمگیری انجام نداده است. این امر ممکن است به آن دلیل باشد که محیط‌زیست از اولویت‌های اصلی نظام مدیریتی

کشور نیست و در نظام برنامه‌ریزی کلان کشور از برجستگی خاصی برخوردار نیست. همچنین احتمال دارد آموزش عالی ایران رسیدگی به مسائل زیست‌محیطی را بخشی از وظائف خود تلقی نمی‌کند. به این دلیل تلاش برای پایداری محیط‌زیست در دستور کار آموزش عالی قرار نمی‌گیرد. اساساً برای شکل‌گیری یک دستور کار و ورود به عرصه سیاست‌گذاری، صرف آگاهی از یک بحران یا مسئله کفایت نمی‌کند زیرا عوامل مرتبط با سطح کلان جامعه در این میان حائل می‌شوند. ظاهراً در بافت اجرایی- اداری سازمان‌ها دو فرایند «در دستور کار قرار دادن و انکار دستور کار» به موازات یکدیگر عمل می‌کنند. یعنی به همان نسبت که برخی موضوعها وارد دستور کار می‌شوند برخی دیگر تعمداً در دیدرس سیاستمداران قرار نمی‌گیرند. به این صورت که اصل مسئله انکاری شود یا به آن اهمیت چندانی داده نمی‌شود. همچنین احتمال دارد یک دستور کار به دلیل وجود دستور کارهای دیگر که مهم‌تر و یا جالب‌تر به نظر می‌رسد، رواج فساد در دستگاه اداری، رقابت، تضاد و اعمال قدرت گروه‌های فشار کنار گذاشته شود. بنابراین، فرایند انکار یک دستور کار تا حدی به ظرفیت‌های داخلی نهادهای جامعه و سازمان‌های مرتبط به آن‌ها وابسته است (کاپلا و همکاران: ۲۰۱۶: ۶۷۶).

این احتمال هم وجود دارد که مدیران وزارت علوم عاملان سازمانی دیگری مانند رسانه ملی، سازمان محیط‌زیست، وزارت آموزش و پرورش، وزارت بهداشت و درمان و آموزش پزشکی را متولی فرهنگ‌سازی در مورد محیط‌زیست پایدار می‌دانند و به این خاطر از ورود نظام‌یافته و کارآمد در این حوزه پرهیزدارند.

واقعیت نابسندۀ بودن توجه آموزش عالی ایران به دغدغه‌های زیست‌محیطی در برخی پژوهش‌های دیگر نیز تأیید شده است. برای مثال پژوهش شفائی یامچلو و همکاران (۱۳۹۷) نشان داده که از توسعه پایدار در آموزش عالی ایران هیچ‌گونه حمایتی نشده و دانشگاه‌ها به‌خصوص دانشگاه تهران نیز در برنامه‌های خود پایداری را مورد مذاقه قرار نداده‌اند. به نظر می‌رسد بیش از آن که انتظار داشته باشیم وزارت علوم، تحقیقات و فناوری به فرهنگ‌سازی در مورد محیط‌زیست بپردازد لازم است ابتدا این سازمان خود به درکی عمیق از رسالت اجتماعی‌اش در خصوص حفاظت از محیط‌زیست نائل شود.

پژوهش راد و جباری (۱۴۰۱) نیز نشان داد که آموزش عالی به آموزش همگانی حفظ محیط‌زیست نیاز مبرم دارد و باید مسائل محیط‌زیستی را در بحث آموزش، پژوهش و فناوری

تلفیق نماید و در فرهنگ‌سازی حفظ محیط‌زیست در جامعه نقش ارزشمندی را ایفا کند. یافته‌های علمی سیفی (۱۳۹۵) مبین آن است که الگوبرداری از ظرفیت‌های سازمان‌های جهانی و برنامه‌های توسعه کشورها به حفظ محیط‌زیست سالم کمک می‌کند. همچنین نتایج پژوهش صالحی و پازوکی نژاد (۱۳۹۲) بیانگر آن است که بین طرز تلقی خانواده از محیط‌زیست، منابع اطلاعاتی (تلویزیون) و پایگاه اجتماعی و اقتصادی ارتباط مثبت و معنی‌داری وجود دارد و رسانه‌ها نقش مهمی در ساختن نگرش مثبت به مسائل محیط‌زیست دارند. بر این اساس همان‌طور که مشارکت‌کنندگان اعتقاد داشتند که آموزش عالی ایران توجه جدی به این مسائل نداشته که سایر محققان نیز به این نکته اذعان داشتند. از جمله مهرعلیزاده (۱۳۹۶)، رضایی و شبیری (۱۳۹۳)، ملکی و همکاران (۱۳۹۵)، راد و همکاران (۱۳۹۶)، رضایی‌قوام‌آبادی (۱۳۹۱) و سیفی (۱۳۹۵). بر این اساس نتایج پژوهش‌های پیشین نیز هم‌راستا با نتایج این پژوهش بوده است.

با توجه به این واقعیت که متناسب با رشد اقتصادی، تمرکز جمعیت در مناطق شهری، ظهور تکنولوژی‌های جدید، و افزایش مصرف‌گرایی در مجموع ضریب تخریب محیط‌زیست افزایش می‌یابد (مشونیس، ۱۳۹۵: ۳۹۰، ایتزن و همکاران، ۱۳۹۶: ۱۷۷) شایسته است همه سازمان‌ها و نهادها به‌طور هماهنگ با یکدیگر به اصلاح بنیان‌های فرهنگی نگرش و رفتار مردم نسبت به محیط‌زیست بپردازند.

پارادایم انسان حاکم بر طبیعت، طبیعت را وفور نعمت دیدن، ایمان به تکنولوژی، اعتقاد به پیشرفت به هر قیمت، مادی‌گرایی و اعتقاد به فردگرایی باید به پارادایم افزایش آگاهی‌های زیست‌محیطی، دغدغه و نگرانی نسبت به پایداری محیط‌زیست و آموختن مهارت رفتار حمایت‌گرانه در تعامل با طبیعت و استفاده از ظرفیت‌های نهادهای مدنی متحول شود. آموزش عالی ایران در حیطه کار خود تاکنون برای حفظ محیط‌زیست اقدامی جدی نکرده است. این واقعیت از فاصله دانشگاه‌های ایران با نیازهای عینی و عملی جامعه حکایت می‌کند. به این دلیل شایسته است، عدالت زیست‌محیطی یعنی جنبشی برای بهبود محیط‌زیست جامعه با حذف خطرات مسموم‌کننده و آلوده‌کننده مدنظر قرار گیرد.

منابع

- احمدیان، داریوش و حقیقتیان، منصور (۱۳۹۵)، تحلیل جامعه‌شناختی نقش عوامل فرهنگی بر رفتارهای زیست‌محیطی شهری مورد مطالعه (شهروندان شهر کرمانشاه)، *مطالعات جامعه‌شناختی شهری*، دوره ششم، شماره ۱۸: ۷۶-۵۱.
- ایتزن استنلی دی؛ باکازین، ماکزین، اسمیت، کلی ایتزن (۱۳۹۶)، *مسائل اجتماعی از دیدگاه انتقادی*، ترجمه هوشنگ نایی، جلد ۲-۱، تهران: پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات.
- بارو، سی. جی (۱۳۷۶)، توسعه پایدار: مفهوم، ارزش و عمل، ترجمه: سید علی بدری، *مجله تحقیقات جغرافیایی*، شماره ۴۴: ۶۷-۴۳.
- باقری، دانیال؛ محسنی، رضاعلی و مهدوی، سیدمحمدصادق (۱۳۹۷)، تحلیل تأثیر عوامل اجتماعی بر رفتارهای حامی محیط‌زیست (نمونه‌ی مورد مطالعه: شهروندان شهر گرگان)، *فصلنامه‌ی مطالعات توسعه‌ی اجتماعی فرهنگی*، دوره‌ی هفتم، شماره ۳: ۱۶۹-۱۴۳.
- جاودانی، حمید و حمزه رباطی، مطهره (۱۳۹۸)، دانشگاه پایدار پوشی برای بر زیستی و پایداری، *فصلنامه پژوهش و برنامه‌ریزی در آموزش عالی*، دوره ۲۵، شماره ۲: ۸۶-۶۳-۲۴.
- جعفری، سکینه (۱۳۹۴)، *تدوین و آزمون الگوی ایرانی اسلامی جهانی شدن آموزش عالی*، ارساله دکتری، دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی دانشگاه سمنان.
- راد، سید ابراهیم و جباری، علیرضا (۱۴۰۱)، طراحی چارچوبی برای شناسایی و دسته‌بندی مؤلفه‌های دانشگاه سبز در دانشگاه فرهنگیان، *مطالعات آموزشی و آموزشگاهی*، دوره یازدهم، شماره ۲: ۱۶۵-۱۹۳.
- راد، سید ابراهیم؛ فقیهی، علیرضا؛ ناطقی، فائزه و معینی کیا، مهدی (۱۳۹۶)، طراحی چارچوبی برای شناسایی و دسته‌بندی مؤلفه‌های آموزش عالی پایدار در ایران، *فصلنامه آموزش محیط‌زیست و توسعه پایدار*، سال ششم، شماره ۱: ۴۰-۲۹.
- رضایی، مهدیه و شبیری، سیدمحمد (۱۳۹۳)، تحلیلی بر نقش برنامه درسی راهبردی در آموزش توسعه پایدار با تأکید بر ابعاد زیست‌محیطی، *فصلنامه علوم و تکنولوژی محیط‌زیست*، دوره شانزدهم، شماره ۹۳: ۴۱۹-۴۰۹.
- رضانی‌قوام‌آبادی، محمدحسین (۱۳۹۱)، بررسی راهبردی آموزش حفاظت از محیط‌زیست در ایران: ضرورت‌ها و تنگناها، *فصلنامه راهبرد*، سال بیست و یکم، شماره ۶: ۲۳۳-۲۵۷.
- ساتن، فیلیپ دبلیو (۱۳۹۷)، *درآمدی بر جامعه‌شناسی محیط‌زیست*، ترجمه دکتر صادق صالحی، چاپ سوم، تهران: انتشارات سمت.

- سیفی، آناهیتا (۱۳۹۵)، نقش برنامه توسعه ملل متحد در پایداری محیط‌زیست سالم در قوانین برنامه‌های توسعه‌ای ایران، *فصلنامه مطالعات اقتصادی سیاسی بین‌الملل*، سال اول، شماره ۲: ۲۳۰-۱۸۱.
- شفائی‌یامجلو، طاهره؛ ابیلی، خدایار و فرامرزق‌راملکی، احد (۱۳۹۷)، مسئولیت اجتماعی در دانشگاه‌ها مطالعه موردی: دانشگاه تهران، *برگ فرهنگ*، شماره ۲۵: ۲۰۲-۱۸۹.
- صالحی، صادق و پازوکی نژاد، زهرا (۱۳۹۲)، محیط‌زیست در آموزش عالی: ارزیابی دانش زیست‌محیطی دانشجویان دانشگاه‌های دولتی مازندران، *دو فصلنامه مطالعات برنامه‌ریزی آموزشی*، سال دوم، شماره ۴: ۲۲۰-۱۹۹.
- صالحی، صادق و پازوکی نژاد، زهرا (۱۳۹۳)، آموزش عالی پایدار و پایداری محیط‌زیست، *فصلنامه انجمن آموزش عالی ایران*، سال ششم، شماره ۲: ۱۱۲-۸۳.
- صالحی، صادق؛ امامقلی، لقمان و محمدی، جمال (۱۳۹۷)، تحلیل اجتماعی عدم موفقیت در مردمی کردن مسئله محیط‌زیست در ایران، *فصلنامه مطالعات جامعه‌شناختی*، دوره بیست و پنجم، شماره ۱: ۱۳۹-۱۶۲.
- فاضلی، محمد (۱۳۹۱)، جامعه‌شناسی تعهد زیست‌محیطی، *همشهری ماه*، شماره ۱۰۰: ۲۹-۲۶.
- مشو نیس، جان (۱۳۹۵)، *مسائل اجتماعی*، ترجمه هوشنگ ناییبی، جلد ۲-۱، تهران: پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات.
- ملکی نیا، عماد؛ بازرگان، عباس و فیضی، صدیقه (۱۳۹۵)، ارائه الگوی عملیاتی ارزیابی پایداری مؤسسات آموزش عالی: مورد مطالعه دانشگاه تهران، *فصلنامه پژوهش‌های رهبری و مدیریت آموزشی*، سال سوم، شماره ۱۰: ۸۵-۵۳.
- ملکی نیا، عماد؛ بازرگان، عباس، واعظی، مظفرالدین و احمدیان، مجید (۱۳۹۳)، شناسایی و اولویت‌بندی مؤلفه‌های دانشگاه پایدار، *فصلنامه پژوهش و برنامه‌ریزی در آموزش عالی*، دوره بیستم، شماره ۳: ۲۶-۱.
- ملکی، امیر و عبدالهی، عظیمه السادات (۱۳۹۲)، تبیین جامعه‌شناختی محیط‌گرایی ایرانیان در دو سطح خرد و کلان، *مطالعات و تحقیقات اجتماعی در ایران*، دوره دوم، شماره ۲: ۲۰۲-۱۷۷.
- مهرعلیزاده، یداله (۱۳۹۶)، گردشگری و آموزش عالی ایران: تعامل یا تقابل، *فصلنامه آموزش محیط-زیست و توسعه پایدار*، سال پنجم، شماره ۳: ۵۲-۳۹.
- میرفردی، اصغر (۱۳۹۵)، بررسی رابطه پایگاه اقتصادی-اجتماعی و احساس مسئولیت اجتماعی با رفتار محیط زیستی (مورد مطالعه: ساکنان نورآباد ممسنی)، *فصلنامه آموزش محیط‌زیست و توسعه پایدار*، سال پنجم، شماره ۱: ۱۱۴-۱۰۱.

نواح، عبدالرضا و فروتن کیا، شهروز (۱۳۹۰)، بررسی رابطه بین کنش عقلانی و رفتارهای زیست‌محیطی (مورد مطالعه: جامعه شهری اندیمشک)، *فصلنامه علوم و مهندسی محیط‌زیست*، شماره ۵۱: ۳۲-۴۶.

هانینگن، جان (۱۳۹۳)، *جامعه‌شناسی محیط‌زیست*، ترجمه دکتر صادق صالحی، تهران: انتشارات سمت.

Cotton, D. R. E., Warren, M. F., Maiboroda, O. and Bailey., I (2007), Sustainable development, higher education and pedagogy: a study of lecturers' beliefs and attitudes, *Environmental Education Research*, Vol. 13, No. 5, pp. 579-597.

Cotton, D.R.E., Bailey, I., Warren, M.F. and Bissell, S (2009), Revolutions and Second-Best Solutions: Education for Sustainable Development in Higher Education, *Revolutions and Second-Best Solutions: Education for Sustainable Development in Higher Education*, Vol. 37, No. 7, pp. 1-28.

Capella Ana Claudia Nied Hardt (2016), Strategies & Agenda Denial Mechanisms, *O & S Salvador*, Vol.23, No.79: 675-691. (P:676).

Fadeeva, Z. and Mochizuki, Y (2010), "Roles of Regional Centers of Expertise on Education for Sustainable Development: Lessons Learnt in the First Half of the UNDESD", *Journal of Education for Sustainable Development*, Vol. 4, pp. 51-59.

Findler, F., Schönherr, N., Lozano, R., & Stacherl, B (2018), Assessing the Impacts of Higher Education Institutions on Sustainable Development—An Analysis of Tools and Indicators, *sustainability*, Vol. 11, No. 59, 1-19.

Flogaitis, E. (1998), «The contribution of Environmental Education in Sustainability», in: «Environment and Society: Education and Public Awareness for Sustainability», *Proceedings of the International Conference organised by Unesco and the Government of Greece* (8-12 December 1997), ed. by M.Scoullos, Athens 1998, σ. 189-193.

Franco, Saito., O. Vaughter., P. Whereat., J. Kanie., N and Takemoto., K (2018), Higher education for sustainable development: actioning the global goals in policy, curriculum and practice, *Sustainability Science*, Vol. 14, pp. 1621-1642.

Greco, Valentin and IPIÑA, Nagore (2014), The Sustainable University— A Model for the Sustainable Organization, *Management of Sustainable Development Sibiu*, Romania, Vol 6, No.2, pp.15-24.

Hansen, Jens Aage and Lehmann, Martin(2006), Agents of change: universities as development hubs, *Journal of Cleaner Production*, No. 14, pp. 820-829.

Junyent, Merce and Geli de Ciurana, Anna M (2008), Education for sustainability in university studies: a model for reorienting the curriculum, *British Educational Research Journal* Vol. 34, No. 6, pp. 763-782.

Kankovskaya, A.R (2016), Higher Education for Sustainable Development: Challenges in Russia, *Procedia CIRP* 48, 449 – 453.

Kilinc, A (2010), Can Project -Based Learning Close the Gap? Turkish Student Teachers and Proenvironmental Behaviours. *International Journal of Environmental & science Education*, 5(4),495-509.

Pizmony-Levy., O. & Ostrow Michel., J (2018), Pro-Environmental Attitudes and Behaviors in Higher Education: Investigating the Role of Formal and Informal Factors, *International and Transcultural Studies*, PP. 1-39.

- Ribeiro., J.M.P. Casagrande., J.L. Sehnem., S. Berchin., I.I. da Silva., C.G. da Silveira., A.C.M. Zimmer., G.A.A. Faraco., R.Á. and de Andrade Guerra., J.B.S.O. (2017), Promotion of Sustainable Development at Universities: The Adoption of Green Campus Strategies at the University of Southern Santa Catarina, Brazil, Handbook of Theory and Practice of Sustainable Development in Higher Education, *World Sustainability Series*, Volume 1, pp. 471-486.
- Vargas, Valeria Ruiz., Lawthom, Rebecca., Prowse, Alicia., Randles, Sally and Tzoulas, Konstantinos (2019), Implications of vertical policy integration for sustainable development implementation in higher education institutions, *Journal of Cleaner Production*, No. 235, pp.733-740.
- Waas, T., Verbruggen, A and Wright, T (2010), University research for sustainable development: definition and characteristics explored, *Journal of Cleaner Production*, No. 18, pp. 629-636.

